

ذهن انسان یک مکانیسم خواستن است. ذهن همیشه در حال خواهش است. همیشه در جستجوی یک چیز و خواستن چیزی دیگر است. هدف ذهن همیشه در آینده است. ذهن را اصلاً با زمان حال کاری نیست. ذهن در زمان حال قادر به حرکت نیست، و فضای لازم را برای حرکت ندارد. ذهن برای تحریک به زمان آینده نیاز دارد.

ذهن فقط می‌تواند یا در گذشته سیر کند و یا به آینده سفر کند. ذهن هیچگاه در زمان حال توان حرکت ندارد. زیرا برای این کار فضایی در اختیار ندارد.

حقیقت در زمان حاضر است. ولی ذهن همواره یا در گذشته است و یا در «آینده».

بنابراین بین ذهن و حال هیچگاه ملاقات و هم‌نشینی وجود ندارد. وقتی که ذهن در کار هدف‌های دنیایی است، مشکلی وجود ندارد و همه چیز قابل حل است.

ولی هرگاه ذهن شروع به جستجوی «حقیقت» کند، این تلاشی احمقانه خواهد بود.

زیرا که حقیقت اینجا و در همین لحظه است؛ ولی ذهن یا در «گذشته» است و یا در «آینده»!

ملاقاتی بین این دو نیست؛ پس این نکته اساسی را خوب درک کن: تو نمی‌توانی حقیقت را جستجو کنی. البته می‌توانی آن را پیدا کنی، ولی نمی‌توانی آن را جستجو کنی؛ خود همین روند جستجو، تو را از یافتن آن باز می‌دارد.

تا شروع به جستجو کردن کنی از زمان حاضر دور می‌شوی و در واقع از خودت دور می‌شوی. زیرا تو همیشه در زمان «حال» وجود داری. جستجو

۸۰

است.

این فنون تانترایی، «عقلانی» و «منطقی» نیستند. او به دوی Devi نمی‌گوید که: «حقیقت اینجاست: آن را جستجو نکن و آن را خواهی یافت» او در عوض بلافاصله تکنیک می‌دهد.

این فنون عقلانی نیستند. آن‌ها را انجام بده و ذهن را دگرگون کن. این تحوّل و دگرگونی یک «نتیجه نیک» است. یک محصول جانبی است. هدف نیست؛ بلکه این دگرگونی تنها یک نتیجه نیک و مفید و محصولی جانبی از این فنون است.

این فنون، ذهن را از سیر و سفر در گذشته و آینده باز می‌گرداند. ذهن ناگهان خود را در زمان حال می‌یابد. برای همین است که بزرگان همگی اهل فن بوده‌اند. بودا تکنیک داده، لائوتزو تکنیک داده، و کریشنا هم تکنیک داده. ولی اینان همواره فنون خود را با روش‌های عقلانی معرفی کرده‌اند. این تنها شیوا است که فرق دارد. او بلافاصله تکنیک می‌دهد، آنهم بدون هیچگونه توضیح عقلانی. زیرا او خوب می‌داند که ذهن بسیار حيله‌گر است. ذهن زیرک‌ترین مکار است. ذهن قادر است هرچیز ساده‌ای را به مشکل تبدیل کند. عدم جستجو خود به مشکل تبدیل خواهد شد.

ذهن نمی‌تواند در زمان حال باقی بماند. این غیرممکن است. فرض کن همین حالا: اگر تو اینجا هستی، پس چگونه می‌توانی ذهن باشی؟ افکار تو خاتمه یافته زیرا قادر به حرکت نیستند. زیرا که زمان حال فضایی برای حرکت ندارد. در «حال» ذهن قادر به فکر کردن نیست.

اگر در همین لحظه «باشی» چگونه می‌توانی حرکت کنی؟

ذهن باز می‌ایستد و تو حالت بی‌ذهنی NO-MND را تجربه خواهی کرد. پس در واقع نکته اینجاست که «چگونه می‌توان در اینک اینجا HERE-NOW وجود داشت؟»

است.

این فنون تانترایی، «عقلانی» و «منطقی» نیستند. او به دوی Devi نمی‌گوید که: «حقیقت اینجاست: آن را جستجو نکن و آن را خواهی یافت» او در عوض بلافاصله تکنیک می‌دهد.

این فنون عقلانی نیستند. آن‌ها را انجام بده و ذهن را دگرگون کن. این تحوّل و دگرگونی یک «نتیجه نیک» است. یک محصول جانبی است. هدف نیست؛ بلکه این دگرگونی تنها یک نتیجه نیک و مفید و محصولی جانبی از این فنون است.

این فنون، ذهن را از سیر و سفر در گذشته و آینده باز می‌گرداند. ذهن ناگهان خود را در زمان حال می‌یابد. برای همین است که بزرگان همگی اهل فن بوده‌اند. بودا تکنیک داده، لائوتزو تکنیک داده، و کریشنا هم تکنیک داده. ولی اینان همواره فنون خود را با روش‌های عقلانی معرفی کرده‌اند. این تنها شیوا است که فرق دارد. او بلافاصله تکنیک می‌دهد، آنهم بدون هیچگونه توضیح عقلانی. زیرا او خوب می‌داند که ذهن بسیار حيله‌گر است. ذهن زیرک‌ترین مکار است. ذهن قادر است هرچیز ساده‌ای را به مشکل تبدیل کند. عدم جستجو خود به مشکل تبدیل خواهد شد.

ذهن نمی‌تواند در زمان حال باقی بماند. این غیرممکن است. فرض کن همین حالا: اگر تو اینجا هستی، پس چگونه می‌توانی ذهن باشی؟ افکار تو خاتمه یافته زیرا قادر به حرکت نیستند. زیرا که زمان حال فضایی برای حرکت ندارد. در «حال» ذهن قادر به فکر کردن نیست.

اگر در همین لحظه «باشی» چگونه می‌توانی حرکت کنی؟

ذهن باز می‌ایستد و تو حالت بی‌ذهنی NO-MND را تجربه خواهی کرد. پس در واقع نکته اینجاست که «چگونه می‌توان در اینک اینجا HERE-NOW وجود داشت؟»

برگرفته از کتاب: الماس‌های آگاهی

مترجم: محسن خاتمی

www.osho.persianblog.com

www.iranosho.0catch.com